

نقش مدیریت شهری در اعتلای حقوق شهروندی

حیدر آسیابی* و حسن ثناگو^۲

۱- دکترای حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول) - hasannsa53@gmail.com
 ۲- کارشناسی ارشد، گروه مدیریت، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران - hasannsa53@gmail.com

چکیده

قوانین و مقررات شهری را می توان به عنوان یکی از مهم ترین نقاط اتصال بین مدیریت شهری و شهروندان قلمداد نمود. به تعبیر بهتر بازیگران عناصر اصلی مدیریت شهری در پرتو قوانین و مقررات شهری ضمن تعریف نقش برای خود و سایر اعضا می توانند شهروندان را در اداره امور مشارکت دهند و مفهوم شهروندی را محقق سازند. از مسائل و موضوعات مهمی که در حوزه مطالعات شهری و برنامه ریزی شهری در سطح جهانی مطرح شده است بحث مربوط به رابطه حقوق شهروندی و مدیریت شهری است. شهرها به عنوان مراکز سکونتی دارای کالبد و کارکردهای متفاوتی هستند. شکل گیری عناصر کالبدی در شهرها و ایفای نقش های متعدد نیز به وسیله بازیگران عرصه سیاسی و اجتماعی رقم می خورد. شکل بندی و نقش دادن به بازیگران متفاوت عرصه شهری از جمله دولت، مردم، نهادهای مدنی و قانون گذار باعث شده است تا وظایف و تکالیف متقابل و دو سویه بین شهروندان و اداره کنندگان امور در سطوح ملی و محلی پدید آید. شهر، شهروند و مدیریت شهری به عنوان مفاهیمی هستند که ارتباط بسیار تنگاتنگ و نزدیکی با یکدیگر دارند. قوانین و مقررات شهری را می توان به عنوان یکی از مهم ترین نقاط اتصال بین مدیریت شهری و شهروندان قلمداد نمود. در واقع حقوق شهروندی آمیخته است از وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه آن حقوق بر عهده مدیران شهری، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می باشد. در مقاله کامل به مباحث شهروندی، حقوق شهروندی، مدیریت شهری و شهروندمداری پرداخته شد. هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش مدیریت شهری در اعتلای حقوق شهروندی بود. روش پژوهش توصیفی - تحلیل بوده و نتایج بیانگر این مطلب می باشد که مدیریت شهری می تواند با آموزش حقوق شهروندی و تشویق شهروندان به پیگیری حقوق خویش، اتخاذ رویکرد شهروندمداری و ایجاد فضای گفتگو میان شهروندان و مدیران شهری، اصلاح نظام اداری و مراعات حقوق شهروندی در جهت ارتقاء حقوق شهروندان نقش آفرینی کند.

واژه های کلیدی: مدیریت شهری، شهروند، قانون، نهاد مدنی

مقدمه

در قبال وظایف مصرح در قانون برای مسئولین کشوری و شهری که در برگیرنده حقوق شهروندی نیز هست، متقابلاً شهروندان نیز در ارتباط با شهر و مدیریت شهری دارای وظایف و تکالیفی هستند که عمل به این وظایف و تکالیف در ارتباط دو سویه با حقوق آنها در مدیریت شهری باعث ارتقاء فضیلت جامعه شهری و تامین سعادت و ایمنی اجتماعی شهری می شود. به طور کلی وظایف شهروندان را می توان در چند مورد خلاصه کرد: آشنایی با حق و حقوق خویش در جامعه شهری؛ آشنایی با وظایف و تکالیف مدیریت شهری و توانایی ها و محدودیت های مدیریت شهری در اداره شهر و هماهنگ ساختن سطح توقعات خویش با این وظایف و امکانات پس از آشنایی با دو مقوله فوق هر شهروند باید برای احقاق حق خویش و بالطبع بهبود وضعیت جامعه شهری خود اقدام کرده و مدیریت شهری را وادار به انجام وظیفه و اعاده حق شهروندی خویش کند؛ سعی و تلاش برای مشارکت در اداره شهر؛ افزایش حس تعلق خاطر خود به محله و شهر محل سکونت خویش؛ تشویق و ترغیب همشهریان و ترغیب همشهریان خود به مشارکت در اداره امور شهر از این جمله اند. در قبال وظایف مصرح در قانون برای مسئولین کشوری و شهری که در برگیرنده حقوق شهروندی نیز هست، متقابلاً شهروندان نیز در ارتباط با شهر و مدیریت شهری دارای وظایف و تکالیفی هستند که عمل به این وظایف و تکالیف در ارتباط دو سویه با حقوق آنها در مدیریت شهری باعث ارتقاء فضیلت جامعه شهری و تامین سعادت و ایمنی اجتماعی شهری می شود (امام جمعه و اشتری، ۱۳۹۲). به طور کلی وظایف شهروندان را می توان در چند مورد خلاصه کرد: آشنایی با حق و حقوق خویش در جامعه شهری؛ آشنایی با وظایف و تکالیف مدیریت شهری و توانایی ها و محدودیت های مدیریت شهری در اداره شهر و هماهنگ ساختن سطح توقعات خویش با این وظایف و امکانات پس از آشنایی با دو مقوله فوق هر شهروند باید برای احقاق حق خویش و بالطبع بهبود وضعیت جامعه شهری خود اقدام کرده و مدیریت شهری را وادار به انجام وظیفه و اعاده حق شهروندی خویش کند؛ سعی و تلاش برای مشارکت در اداره شهر؛ افزایش حس تعلق خاطر خود به محله و شهر محل سکونت خویش؛ تشویق و ترغیب همشهریان و ترغیب همشهریان خود به مشارکت در اداره امور شهر از این جمله اند (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰). هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش مدیریت شهری در اعتلای حقوق شهروندی بود.

میزان مشارکت شهروندان در امور شهر

در مورد نحوه و میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر دو دیدگاه وجود دارد. به طور کلی اهم مطالبی را که در خصوص مشارکت شهروندان در اداره امور شهر باید مورد لحاظ قرار داد عبارتند از: تصمیماتی که سیستم شهری (مدیریت شهری) می گیرد و بر حقوق شهروندان تاثیرگذار است. با توجه به مورد فوق برای تحقق حقوق شهروندان با لحاظ نیازهای آنان، باید مردم در برنامه ها و تصمیمات متخذه برای شهر خود مشارکت داشته باشند. مشارکت یعنی مشارکت در خدمتگزاری، برنامه ریزی، اجرا و نظارت در کلیه برنامه های مورد نظر برای شهر، چرا که استفاده از مشارکت مردمی برابر است با رفع یا کاهش تنگناها و معضلات مدیریت شهری. استفاده از مشارکت شهروندی باعث صرف انرژی، زمان هزینه و امکانات کمتر و انجام کارهای بیشتر در شهر می شود. مداخله شهروندان در اداره امور باعث آشنایی مستقیم آنان با مسایل شهر شده و این خود منجر به تصحیح نظر و تصور مردم از مدیریت شهری می شود. مشارکت شهروندی باعث ایجاد حس اعتماد شهروندان نسبت به مدیران می شود و متقابلاً مدیران شهری نیز باید با ایجاد رابطه مستقیم با مردم این حس را تقویت کنند. نتایج مثبت مشارکت مردمی اصولاً مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نتایج مثبتی را به دنبال دارد که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد: کاهش محدودیتها و مشکلات مدیریت شهری به خصوص شهرداری هایی که با کمبود یا فقدان نیروی متخصص و منابع مالی مواجه می باشند چرا که جلب مشارکت مردم باعث رفع بخشی از نیاز مدیریت شهری به منابع انسانی و مالی می شود. صرفه جویی در هزینه ها و کاهش صرف انرژی، بدین معنی که با استفاده از مشارکت شهروندان این امکان فراهم شود که با صرف انرژی، هزینه و امکانات کمتر اقدامات بسیاری را در شهر انجام داد. مشارکت شهروندان در اداره شهر باعث افزایش همکاری های اجتماعی و نیز افزایش حس تعلق آنان به شهر می شود. جلب مشارکت مردم منجر به ایجاد و یا تقویت پایه های جامعه مدنی می شود. در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه حداکثرگرا و دیدگاه حداقل گرا. حداکثرگرایان معتقدند که باید تمام

وظایفی را که دولت در قبال یک شهر دارد به مجموعه مدیریت شهری به خصوص شورای شهر و شهرداری تفویض شود. بر اساس این دیدگاه شورای شهر دارای این قابلیت است که وظایف دولت را در محدوده یک به عهده گیرد. بر خلاف دیدگاه حداکثرگرا معتقدان به دیدگاه حداقلگرا بر این باورند که مسایل شهر به مسایلی در حد خدمات شهری محدود می شود و لذا میزان مشارکت مردم را نیز در همین سطح تعریف می کنند (شیانی، ۱۳۸۱). در نقد این دو نظر باید گفت که یک شهر بر اساس دیدگاه حداکثرگرا نمی تواند حوزه اختیارات دولت در محدوده خود را به صورت کامل به عهده گیرد چرا که برخی از برنامه ها، اهداف و نظارت‌های در نظر گرفته شده از سوی دولت در ارتباط با کل جامعه است و حتی اگر ما از شوراها مفهوم دولت شهر را مدنظر داشته باشیم در این صورت نیز به دلایلی خلاف تجربه و واقعیات جامعه عمل کرده ایم چرا که اولاً به تجربه ثابت شده است که عملاً امکان تحقق چنین دولت-شهری وجود ندارد، ثالثاً هیچ شهری توان و امکانات لازم برای پذیرش مسئولیتهای دولت در قبال یک شهر را ندارد. از سوی دیگر رویکرد حداقلگرا هم کافی نیست چرا که مسایل شهری پیوندی ناگسستنی با موضوعات فرهنگی و اجتماعی و قابلیت‌های توسعه دارد. بنابراین باید جدا از این دو دیدگاه چارچوب مشارکتی را که به حقوق شهروندی نزدیک باشد برای شهروندانی که در یک شهر زندگی می کنند تعیین و ترسیم کرد در این میان بهتر است که حوزه مشارکت شهروندان در شهر تعریف شود. در حال حاضر در ایران دستگاه‌های اجرایی بر اساس دیدگاه حداقلگرا فعالیت می نماید و شوراها شهر نیز به دیدگاه حداکثرگرا رغبت بیشتری نشان می دهند در صورتی که باید برای سیستم مدیریت شهری رویکردی اتخاذ شود تا برآورده نیازهای عمده جامعه باشد. لذا در طرح‌های مدنظر برای شهر باید ضمن لحاظ نظرات شورای شهر، بین نیازهای گوناگون و بعضاً متناقض جامعه هماهنگی ایجاد شود. بر اساس چنین رویکردی برای تعریف میزان و چگونگی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر باید به نقش و جایگاه شوراها به عنوان نماد اصلی مشارکت پذیری مردم توجه کرد و همچنین بین عملکردهای شهر از نظر نیازها و اولویت‌های آن رابطه و نیز هماهنگی خاص ایجاد کرد. بر این اساس باید به نوعی اصل کثرت در وحدت و وحدت در کثرت را در نظر گرفت. یعنی باید برای ایجاد تعادل در مشارکت شهروندان بین نیازهای متکثر مردم وحدت ایجاد کرده و همچنین بر اساس اولویت‌ها به همه نیازهای آنان پاسخ داد در غیر این صورت یعنی در صورت پذیرش یکی از دیدگاه‌های حداکثر و حداقلگرا مدیریت شهری کارآمدی لازم را برای افزایش مشارکت شهروندی از دست می دهد. نیازهای جدید وظایف جدید برای مدیریت شهری نیازهای جدید که در حقیقت وظایف جدید مدیران است به شرح زیر می باشد: « توسعه پایدار»؛ بر این اساس باید نگرش درون سازمانی مدیریت شهری به سازمان‌های جانبی و فعالیت‌های آنها تعمیم داده شود و شهرداریها نهادی مستقل و جدا از دیگر سازمانها که بعضاً برای حفظ منافع درون سازمانی به تقابل با آنها بر می خیزد- دیده نشوند و بدین لحاظ باید با مفاهیم کلی و فنی و جاری تمامی دستگاه‌های خدماتی که به شهروندان سرویس می دهند آشنایی حاصل کند. چنین دستگاه‌هایی نظیر آب و فاضلاب، برق، مخابرات و گاز تماس متقابل کمتری، با یکدیگر دارند لذا مدیریت شهری می تواند هماهنگ کننده و جهت دهنده مناسبی برای این سازمان‌ها باشد. « بهره‌وری»؛ بر خلاف آنچه تصور می شود در اجرای یک طرح لوله گذاری در خیابانهای اصلی شهر هزینه‌های واقعی فراتر از قیمت کالا و دستمزد پرداخت شده است در این مثال زمان اجرا بسیار اهمیت دارد. از دیدگاه بهره‌وری آثار تبعی مدت زمان مسدود بودن یک خیابان، شامل اختلال در زندگی، برهم زدن آسایش و تاثیر منفی در تردد و ترافیک است. آسیب‌های وارد آمده بر تاسیسات سازمان‌های دیگر نظیر آسفالت، برق، مخابرات و اختلالات ناشی از آن و نیز عدم استفاده برای فعالیت همزمان واحدهای خدماتی دیگر از فرصت به وجود آمده برای اجرا و یا تعمیر و رفع معایب در محدوده خیابان مورد نظر در زمره هزینه‌های پوشیده و نادیده قرار می گیرد. ارتقاء شهرنشینی؛ افزایش و ارتقاء بالفعل فرهنگی و اجتماعی شهر بر اساس زندگی فعال و پرثمر در شهرها علاوه بر اینکه موجب بالا رفتن توان اقتصادی آن خواهد شد می تواند باعث حفظ و نگهداری سرمایه‌های مردمی و بومی هر شهر و جلوگیری از سرازیر شدن آنها به شهرهای بزرگتر شود. چنین عملی هم در گسترش شهرهای کوچکتر تاثیر مثبت می گذارد و هم از اختلال در نظم شهرهای بزرگ جلوگیری می کند ایجاد و فعال کردن فرهنگسراها و کانون‌های فرهنگی به منظور تبادل اندیشه‌ها در زمره چنین اقداماتی می باشد. این امر باید مورد توجه شهرهای متوسط و کوچک نیز قرار گیرد. چنین مراکزی الزاماً نباید پر خرج و تقلیدی باشد، بلکه جلوه‌ها و ویژگی‌های

اجتماعی و فرهنگی خاص هر شهری می تواند زمینه های مساعد و مناسبی برای برنامه ریزی ها و ایجاد تحرک در بخش های مختلف این کانون ها و در نتیجه جذب قشرهای مردمی باشد. چنین مکانهایی علی الخصوص در جهت فراهم کردن امکان تخلیه روانی شهروندانی که در مناطق پرتراکم و محله های پر جمعیت سکونت دارند مهم است. دیدگاههای نو رشد سریع شهرها و تمرکز جمعیت کشورها در آنها دیدگاههایی نو و در عین حال غیر متداول را برای حل مشکلات و پاسخگویی به نیازهای جدید شهروندان می طلبد به عنوان مثال عامل اصلی آلودگی محیط زیست متوجه جمعیت و افزایش آن می باشد و همچنین تحرک و جابه جایی ناگزیر شهروندان و گسترش دامنه فعالیتهاشان و نیز وسایل متعددی که برای ایجاد خسارت به محیط در اختیار دارند نیز دخیل است. نحوه برخورد متقابل مردم و سازمان های دیگر هر چند ظاهراً هیچ ارتباطی به حوزه خدمات شهری ندارد و یا ارتباط کمی دارد ولی اصلاح چنین برخوردها و شیوه های پاسخگویی به نیازهای اداری ارباب رجوع تاثیر به سزایی در کاهش هزینه های شهری دارد. برپایی مراکز خدمات دولتی در شهرها می تواند بسیاری از رفت و آمدهای درون شهری را حذف کند کاهش تردد نه تنها باعث تقلیل هزینه خدمات شهری و کاهش استهلاک سرمایه ها می شود بلکه برخوردهای غیر فیزیکی و روانی مردم و اصطکاک میان آنها را نیز تقلیل می دهد (صرافی، ۱۳۸۷). مشارکت های مردمی، راه حل نهایی برای حل مشکلات فعلی و آینده شهرها مشارکت فعال نیروی مردمی راه حل نهایی است که متأسفانه این نیرو دست نخورده و این گونه مشارکت ها غیر فعال باقی مانده اند، تجربه نشان داده که به کارگیری استعدادهای مردمی موجب بروز ابتکارها و خلاقیت ها می شوند که در شرایط عادی تصور نمی شود. برای استفاده از این امکانات بالقوه- استعدادهای مردمی- سپردن کارهای اجرایی و عملی به شهروندان ضرورت دارد لذا: الف) اگر تلاشی برای تعمیق دیدگاههای محلی و کمک به آنها در جهت دستیابی درست به مشکلات و راه حل های آنها از سوی حکومتها صورت گیرد آنگاه نیازها و خواسته های محلی به صورت واقعی و به درستی به مرکز انتقال یافته و حکومت مرکزی نیز می تواند استراتژی دقیق تری برای توسعه شهرها برگزیده و ابلاغ نماید. ب) با ابلاغ استراتژی و سیاست های واقعی تنظیم شده و بر اساس خواسته های موجود و تقویت تصمیم گیری محلی اولاً توسعه و ارائه خدمات بهداشتی، آب سالم، جمع آوری فاضلاب، آسفالته و نظایر آنها با هزینه کمتر قابل تامین خواهد بود و ثانیاً به دلیل مشارکت های مستقیم شهروندان در توسعه خدمات زیربنایی و روبنایی شهر و تمایل به حفظ سرمایه هایی که خود ایجاد کرده اند یا در برپایی آنها سهیم بوده اند، بهره برداری از تاسیسات نیز به صورت بهینه و با هزینه کمتر صورت خواهد گرفت و خدمات پایدارتر و با دوام تر عرضه خواهد شد. ج) تغییر نگرش و حرکت به سمت زدودن تصمیم گیری های متمرکز به هیچ عنوان نشان دهنده کاهش اعمال قدرت حکومت نمی باشد بلکه در این حالت فعالتر و پویاتر در نظر گرفته می شود. در حقیقت با ارجاع مشکلات شهرها به شهروندان و کمک گیری از آنها برای حل مشکلات، دولت با حفظ حاکمیت اعمال تصدی را به مردم واگذار می کند و خود از مقابل مردم به کنار آنها منتقل می شود. در چنین حالتی دولت به جای اینکه مورد بازخواست قرار گیرد و پاسخگو باشد- آنچنان که اکنون وجود دارد- خود بخشهای مختلف را مورد بازخواست قرار می دهد و پاسخ می طلبد. در پایان شایان ذکر است یکی از مشخصه های ویژه مقطع کنونی کشور ما عدم رضایت هر دو طرف سیستم های خدماتی یعنی دستگاه های دولتی و مردم است که اولی از امکانات و فقدان بودجه کافی برای ارائه خدمات ناخرسند است و دومی از گران بودن خدمات و بعضاً کیفیت پایین آن ناراضی اند. بی شک استفاده از نیروی مردمی باعث رفع چنین توهماتی و ایجاد حس اطمینان و اعتماد متقابل می شود که از ثمرات آن هر دو طرف برخوردار خواهند شد (محمدی و تبریزی، ۱۳۹۰).

نقش انجمنها و نهادهای مدنی در آموزش حقوق شهروندی

گذار به جامعه جدید در عصر مدرن، گذار به مناسباتی است که تار و پود آن را انجمن های داوطلبانه افراد تشکیل می دهند. از ویژگی های مهم این جوامع آن است که نهادها، موسسات و تشکل های مدنی در جامعه ریشه دار شوند و به صورت آگاهانه و داوطلبانه دست به بسیج مردم بزنند و در امور مختلف در عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ مشارکت نمایند. انجمن ها نهادهایی هستند که شهروندان در جوامع معاصر برای پیشبرد علائق و منافع مشترک خود تشکیل می دهند. همچنین حوزه های مذکور می باید در دسترس عموم مردم باشند امکان حضور و مشارکت عامه در آنها موجود می باشد مستقل بوده و بدون اتکا به

دولت اداره شوند. علاوه بر این سازماندهی درونی آنها نیز دموکراتیک باشد. حال اگر در محله های گوناگون شهر افراد بتوانند با تشکیل نهادهای مدنی در رابطه با موضوعات مختلف شهری از جمله ایاب و ذهاب، بازیافت، زباله، آلودگی های زیست محیطی، کودکان خیابانی، زنان سرپرست خانواده و ... در اداره شهر مشارکت داشته باشند. ضمن آنکه با فرهنگ مشارکت خو می گیرند و تجربه و سابقه خود سازمانی یا همیاری در تصمیم گیری های محل زندگی خود دارند به شهروندانی فعال تبدیل می شوند که در قبال وضعیت جامعه خود احساس مسئولیت می کنند. این گونه نهادهای مدنی سبب تمرکز زدایی از تصمیم گیری اجرا و ارزیابی برنامه های مختلف می شوند و به دلیل اینکه گروه های مختلف مردم در مورد امور اظهار نظر تصمیم گیری و مشارکت دارند هم احتمال خطا کاهش می یابد و هم باری از دوش دولت و نهادهای عمومی دولتی برداشته می شود. به هر حال انجمن های مدنی همواره به کارآمدی و ثبات حکومت دموکراتیک کمک می کنند. هم به خاطر تاثیرات داخلی شان بر اعضا و هم به خاطر تاثیرات خارجی شان بر جامعه وسیع تر از لحاظ داخلی انجمن ها عادات همکاری همبستگی و روحیه جمعی را در اعضایشان ایجاد می کنند (خادم الحسینی و همکاران، ۱۳۹۱).

مدیریت شهری

روشن است که مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره کننده شهر از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد و هر جامعه ای با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود تعریف یا تلقی خاصی از مدیریت شهری دارد. مدیریت شهری به تمامی نهاد ها، سازمان ها و افرادی گفته می شود که به صورت رسمی یا غیررسمی در فرآیند مدیریت شهر اثرگذار هستند. پس مدیریت شهری فقط شهرداری و شورای شهر نمی باشد و هر عنصری که به شکلی در فرایند مدیریتی شهر اثری دارد در این حیطه قرار دارد (توکلی، ۱۳۸۰).

۴- اهداف مدیریت شهری

- الف- ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروه های کم درآمد
- ب- تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار
- ج- حفاظت از محیط کالبدی شهر

۵- وظایف مدیریت شهری

- الف- آماده سازی زیرساخت های اساسی برای عملکرد کارآمد شهرها
- ب- آماده سازی خدمات لازم برای توسعه منابع انسانی، بهبود بهره وری و بهبود استاندارد های زندگی شهری
- ج- تنظیم فعالیت های تاثیرگذار بخش خصوصی بر امنیت، سلامتی و رفاه اجتماعی جمعیت شهری
- د- آماده ساختن خدمات و تسهیلات لازم برای پشتیبانی فعالیت های مولد و عملیات کارآمد موسسه های خصوصی در نواحی شهری (رضایی پور، ۱۳۸۹)

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش مدیریت شهری در اعتلای حقوق شهروندی بود. شهر به عنوان محل ظهور اجتماع، محل ظهور مدنیت و محل ظهور شهروندی و ... واقعیت مبارکی است که جامعه ایرانی با آن رودرو گردیده است. شهر امروزی را میتوان مکانی جهت تولید "شهروند" قلمداد نمود. در این بین "حقوق شهری" برای تسهیل در این امر و تعریف، تقویت و حمایت از روابط و تعاملات کنشگران و نهادهای شهری بیش از نیم قرن است که پا به عرصه وجود نهاده و مبنایی برای ظهور "شهروند" و "حقوق شهروندی" قلمداد شده است. به بیانی دیگر اگر حقوق شهری را مبنایی برای تعریف روابط مردم با شهرداری، حقوق و تکالیف آنها در برابر یکدیگر و اصول و هدفها و وظایف و روش انجام آنها و همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت شهرداری بر رشد موزون و هماهنگ شهر (آقازاده، ۱۳۸۵) بدانیم، این حقوق را میتوان تضمین کننده حقوق شهروندان در خصوص مفاهیمی همچون ایمنی، رفاه، آسایش، سلامت و عدالت و زمینه ساز ظهور شهروند دانست. به سخن دیگر در صورت تضعیف این حقوق، دیگری نیز (حقوق شهروندی) قابل حصول نبوده و لاجرم شهروندی و ظهور آن با مشکل

جدی روبرو خواهد شد، امری که شاهد آن هستیم. حقوق شهری در حال حاضر به عنوان قوانین برخاسته از واقعیت‌های جامعه امروز نبوده و از جامعه خود عقب مانده است و خود به عنوان یک مساله و مانع در برابر توسعه جامعه شهری خودنمایی میکند. در این شرایط، نقض قوانین، بروز مشکلات عدیده اجتماعی و بروز نافرمانی‌های مدنی امری حتمی به نظر رسیده و ظهور آنها دور از ذهن نخواهد بود. در این بین آگاهی از حقوق شهروندی در عصر حاضر به عنوان یک تیزاز اساسی برای تمام ملت‌ها در آمده است. گرایش دولت‌های دموکراتیک و ملتها به سوی شناخت مردم از حقوق اجتماعی و شهروندی خود، بدون برنامه‌ریزی و خود به خود رشد نکرده است بلکه نوعی احساس نیاز، جوامع نوین را به سوی درک این آگاهی‌ها سوق داده است. تشویق به مشارکت در جامعه مدنی بویژه از سوی زنان، بهره‌گیری از تنوع وسیعی از مشارکت بین بخش‌های دولتی و غیردولتی به منظور دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده، ظرفیت‌سازی در میان تمامی بازیگران شهری جهت مشارکت در تصمیم‌گیری و فرایندهای توسعه شهری و تسهیل ارتباطات در میان تمامی سطوح.

آگاهی شهروندان موجب رسیدن ایشان به حقی است که جامعه برای آنها در نظر می‌گیرد و این آگاهی دارای جنبه‌های مختلفی از قبیل آگاهی اجتماعی، آگاهی فرهنگی و ... است. آگاهی شهروندان به معنای شناخت شهروندان از وظایف حکومت و شهرداری در قبال شهروندان، و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تکالیفشان است. آگاهی از حقوق شهروندی موجب می‌شود که مشارکت شهروندان در امور شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار گشته، مثر ثمرتر گردد. شناخت امکانات موجود در سطح شهر برای رفاه شهروندان، آشنایی با وظایف، اهداف و مأموریت‌های شهرداری و نیز آشنایی با وظایف هر یک از واحدهای زیر مجموعه این نهاد و سازوکارهای استیفای حقوق در آنها شهروندان را در بهره‌برداری بهتر از فرصت‌ها و موقعیت‌های رفاه و پیشرفت، یاری خواهد کرد. آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی زمینه انجام وظایف دو جانبه را فراهم می‌کند. با توجه به موارد گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت شهری می‌تواند با آموزش حقوق شهروندی و تشویق شهروندان به پیگیری حقوق خویش، اتخاذ رویکرد شهروندمداری و ایجاد فضای گفتگو میان شهروندان و مدیران شهری، اصلاح نظام اداری و مراعات حقوق شهروندی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری در قبال شهروندان، کارآیی و اثر بخشی، شفافیت و پاسخگویی در جهت ارتقاء حقوق شهروندان نقش آفرینی کند.

منابع

- آقازاده، احمد، (۱۳۸۵). اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزشها در کشور ژاپن، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷
- امام جمعه، فرهاد و اشتری، کیانا، (۱۳۹۲)، "تبیین جامعه‌شناختی وضعیت حقوق شهروندی در سازمان‌های اجرایی جامعه شهری اراک"، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال ششم، شماره ۱۹
- فتحی، سروش و مختارپور، مهدی (۱۳۹۰)، "توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی"، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۴، ۸۹-۱۰۵
- توکلی، فرحناز، (۱۳۸۰)، هویت شهروندی؛ حقوق و تکالیف، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۴۴
- خادم‌الحسینی احمد، قدرجانی راضیه، زاهدی یگانه امیر (۱۳۹۱)، اداره مردمی شهر و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۵ شهرداری اصفهان)، نشریه علمی-پژوهشی آمایش محیط، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۵۳-۱۶۹
- رضایی پور، آ. (۱۳۸۹)؛ مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، تهران: انتشارات آریان.
- شیانی، ملیحه، (۱۳۸۱)، تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروند در لرستان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳، صص ۷۹
- صرافی، مظفر؛ عبدالهی، مجید، ۱۳۸۷، "تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات.

-محمدی جمال، تبریزی نازنین (۱۳۹۰). سنجش میزان آگاهی های عمومی به حقوق شهروندی وقوانین شهری؛ مورد مطالعه: گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال شهرهای ساری، بابل، آمل و قائمشهر"، نشریه جامعه شناسی مطالعات جوانان، شماره ۱، صص ۱۷۵-۱۹